



تحلیل الگوی مدیریت شهری ایران (ساختار، عملکرد و راهبرد)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۵/۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵

فرضعلی سالاری سردری

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، مدرس دانشگاه پیام نور (مسئول مکاتبات) fsalari64@gmail.com

اکبر کیانی

دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، استادیار گروه جغرافیای دانشگاه زابل kianiakbar@yahoo.com

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: مدیریت شهری یک فرایند است که در مجموع به یک نظام تصمیم‌گیری منجر خواهد شد، میزان موفقیت و یا عدم موفقیت مدیریت شهری بستگی به قدرت، مشروعیت و ساختار حقوقی، اجتماعی و اقتصادی جامعه دارد. نوع مدل مدیریت شهری در دوره‌های مختلف تاریخی و در مناطق مختلف، بازتابنده نگرش و میزان مشارکت عمومی (رویکرد جمع‌گرایانه) و قدرت اجرایی مدیریتی است. یکی از گفتمان‌های مهم در تعیین مدل مدیریتی برتر، تعیین چگونگی اداره شهر و قرارگیری قدرت در دست مدیران شهری است. از سوی دیگر، مدل اداره شهر رابطه نزدیکی با حل یا ایجاد مسائل شهری دارد. در این مقاله ضمن شناخت و بررسی چگونگی، سیر تحول رویکردهای اداره و مدیریت شهری و سیر تحولات سطوح مدیریت شهری ایران در ادوار مختلف و بیان وضعیت موجود، نقاط قوت و ضعف (مزایا و معایب) آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

روش پژوهش: در این پژوهش با استفاده از روش‌های توصیفی (مطالعات کتابخانه‌ای)، تحلیل داده‌های ثانویه (اسنادی) و تکنیک تحلیل محتوا به بررسی و مقایسه تطبیقی میان رویکرد مدیریت سنتی و جدید شهری از دوره حکومت ماد (۷۸۰ قبل از میلاد) تا دوره جمهوری اسلامی (سال ۱۳۹۵ ه.ش) پرداخته شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش با توجه به تحلیل کارکردها و عملکردهای مدیریت شهری در ایران و این‌که نظام مدیریت شهری کشور در حکومت‌های مختلف تحت تأثیر برنامه‌ریزی و مدیریت متمرکز (سازماندهی تمرکزگرا) بوده و تجزیه و تحلیل عناصر تأثیرگذار مدیریت شهری کشور در دوران کنونی در سطوح کلان، منطقه‌ای و ناحیه‌ای/محلی و تغییرات سطوح مدیریت شهری در طول زمان بیانگر وجود موازی‌کاری در امر تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی است.

نتیجه‌گیری: سیر تاریخی روندها و گرایش‌های حاکم بر ویژگی‌های شکلی و محتوایی مدیریت شهری در ادوار مختلف، نمایانگر نوعی تکامل شکلی، مفهومی، محتوایی و عملکردی مدیریت‌ها می‌باشد؛ به گونه‌ای که از برداشت‌ها و باورهای تک‌ساختی و تک‌ساحتی رو به سوی برداشت‌ها و باورهای چندساختی و چندساحتی (مدیریت مشارکتی و بهره‌گیری از خرد جمعی، پاسخ‌گویی و شفاف‌سازی) هدایت شده است. نظام اداره امور شهر در طی صد سال گذشته از وظایف اصلی مدیریت شهری به جهت نداشتن منابع درآمدی پایدار، ضعف نهادهای مدنی و محلی و نداشتن جایگاه تعریف شده تشکیلاتی در سلسله مراتب تشکیلاتی کشور، عدم مشارکت در برنامه‌ریزی به واسطه ماهیت برنامه‌ریزی متمرکز و از بالا به پایین بازمانده و بیشتر به امور بر زمین مانده شهر پرداخته‌اند. بنابراین، توسعه وظایف و اختیارات شهرداری‌ها همراه با تمرکززدایی و توسعه مدیریت یکپارچه شهری ضروری می‌باشد.

واژگان کلیدی: حکمروایی، مدیریت شهری، مدیریت محلی، شهرداری، ایران

مقدمه

با توجه به روند شهرنشینی و شهرگرایی و تغییرات جمعیت شهری و پیچیده شدن زندگی و نظام جامعه شهری و در پی آن نیازهای مشترک و بروز مشکلاتی همانند نارسایی خدمات شهری، کمبود مسکن، فقر، بیکاری، تراکم، ترافیک، آلودگی‌های زیست محیطی و سایر مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به بررسی مقایسه‌ای مدیریت سنتی و جدید شهری، یکپارچگی در مدیریت شهری و عناصر اصلی ساختاری الگوی بومی مدیریت شهری می‌پردازیم.

اهمیت و ضرورت پژوهش

گسترش روز افزون جمعیت بخصوص در جوامع شهری، توجه به مشکلات شهر و بالاخص مدیریت شهری را دوجندان نموده، بطوریکه تحقیقات مرتبط با شهر و مسائل شهری را به سمت امور مدیریتی شهر سوق داده است. در این نوشته به دلیل اهمیت وافر مدیریت شهری در نظم بخشی به اوضاع نابسامان شهرها، به بررسی موضوع مدیریت شهری با تاکید آن بر یکپارچگی در اداره امور شهری انجام گردیده و هدف آن آشکارسازی اهمیت یکپارچگی در حوزه مدیریت شهری در راستای رسیدن به پایداری شهری می‌باشد. تعیین اهداف در سیستم مدیریتی شهر و مشخص بودن جایگاه و وظایف هر یک از سازمان‌های متولی، باعث حذف موازی کاری و دوباره کاری در شهر شده و زمینه را برای حرکت شهر به سمت پایداری در منابع و امکانات موجود فراهم خواهد نمود. عدم وجود مدیریت یکپارچه شهری و وجود بخشی‌نگری در اداره امور شهر بوده و جایگاه سازمانها و ارگانهای مسئول در امور شهری به خوبی مشخص نشده است؛ همچنین روابط مشخصی بین سازمانها و ارگانهای متولی در امور شهری وجود ندارد، و چنانچه رویکرد مدیریت یکپارچه شهری مورد توجه قرار گیرد، امکان ارتقاء شاخص‌ها و مولفه‌های پایدار در شهر وجود دارد. اداره امور شهرها بدون یکپارچگی در مدیریت آن، شهرها را به سمت وسویی سوق می‌دهد که نتیجه ای جزء اتلاف منابع و ناپایداری در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و... را در برنخواهد داشت. برنامه‌ریزی و مدیریت بخشی و عدم هماهنگی طرح‌های شهری با برنامه‌های عمرانی، ایجاد طرح‌ها در فضای آرمانی و دور از واقعیت، بی‌توجهی به شرایط خاص و عملکرد غالب هر شهر و نبود پایش مدون از مسائل نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری کنونی ایران می‌باشند. این مسائل نتیجه‌ی نگاه بالا به پایین است که به عنوان رویکرد

مدیریت شهری به عنوان یک نهاد محلی، مسوول نظارت، برنامه ریزی و مدیریت توسعه پایدار شهرها است. در این ارتباط موضوعی که مدیریت می‌شود فضا و مجموعه ای از فعالیت‌هایی است که در آن اتفاق می‌افتد. ایفای این نقش، مستلزم سطح متناسبی از تمرکززدایی سیاسی - مدیریتی و اختیارات کافی برای سیاست گذاری، تصمیم‌گیری، برنامه ریزی و اجرا در سطح محلی است. مدیریت مهم‌ترین عامل در حیات، رشد و بالندگی یا مرگ یک جامعه است و روند حرکت از وضع موجود به سوی وضع مطلوب را کنترل می‌کند (رکن الدین افتخاری و دیگران، ۱۳۸۶، ۱) و هدف آن سیاست گذاری و اجرای آن است (Kumar Raut, 2001, 9).

امروزه هدف اصلی مدیران شهری دستیابی به شهرهای پایدار و مدیریت شهری پایدار می‌باشد. در مدیریت شهری پایدار، تلاش بر پایداری منابع برای نسل‌های آتی و جلوگیری از اتلاف و تخریب منابع در کنار دستیابی به سطح قابل قبولی خدمات عمومی و رفاه شهری برای تمامی نسل‌ها می‌باشد. در حالی که مدیریت شهری کارآمد و پایدار، کلیه امور محلی سیستم شهر را بایستی برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، هدایت، ساماندهی، نظارت و هماهنگی کند. بنابراین مدیریت یکپارچه شهری گام اولیه در پایداری شهری است نه چشم‌انداز و هدف درازمدت مدیریت شهری.

مدیریت شهری به حکومت (دولت)، اقتصاد سیاسی و ساختار اداری شهر وابسته می‌باشد (مزینی، ۱۳۷۴، ۸۱). تحولات ساختاری و کارکردی نظام‌های اجتماعی و سیاسی باعث ایجاد بسترهای متفاوتی در اداره امور شهرها شده است (صراف، عبدالهی، ۱۳۸۷، ۱۱۵). و الگوهای مدیریت شهری به تبع نوسانات در الگوی کلان مدیریت متحول شده است (یزدانی، ۱۳۷۹، ۴۵). ساختار مدیریت شهری نه در ایران بلکه در سراسر جهان همراه با دگرگونی‌های رژیم‌های حکومتی و سیستم‌های اقتصادی دچار جذر و مدهای فراوان شده است (مزینی، ۱۳۷۴، ۸۱). بر این اساس الگوی مدیریت شهری، نشان دهنده نحوه اداره شهرها در ادوار تاریخی و زمینه‌های متفاوت تصمیم‌گیری و توسعه نواحی شهری می‌باشد. مدیریت شهری در دوره‌های مختلف تاریخی در روند توسعه یا عدم توسعه سکونتگاه‌های شهری نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای داشته است.

های نظری و تحلیل وضعیت موجود، تدوین چشم انداز مطلوب و ممکن از مدیریت شهری صورت گرفته است. در نهایت براساس چشم انداز تدوین شده و به منظور تحقق آن، راهبردهای گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب مدیریت شهری ارائه شده است.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

سیستم مدیریت شهری اصولاً یک سطح و رده فضایی مدیریت محلی برای اداره همه امور یک شهر به عنوان یک واحد فضایی مطرح است (کازمیان و رضوانی، ۱۳۸۱: ۲۳). مدیریت شهری به مثابه جزئی از سیستم حکومت محلی زمینه ارائه خدمات مورد نیاز جمعیت ساکن در شهرها و الزامات زندگی جمعی را فراهم می- نماید (صرافی، عبداللهی، ۱۳۸۷، ۱۲۹).

مدیریت شهری به عنوان چارچوب سازمانی توسعه شهر به سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و اقداماتی مربوط می‌شود که در پی اطمینان از تطابق رشد جمعیت با میزان دسترسی به زیرساخت‌های اساسی زندگی شهری خصوصاً مسکن و اشتغال می‌باشد. در چارچوب این تعریف کارایی مدیریت شهری وابستگی مشخص و مستقیمی به عوامل زمینه‌ای از قبیل ثبات سیاسی، وحدت و یکپارچگی اجتماعی، رونق اقتصادی و انسجام و پویایی فرهنگی و برخی عوامل دیگر نظیر توان و مهارت، انگیزه و دانش سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان و نیز افراد استفاده کننده از این سیاست‌ها و برنامه‌ها دارد. مدیریت شهری، فرآیندی از مسؤلیت‌ها و اقدامات مرتبط شامل سیاست گذاری، برنامه ریزی، سازماندهی، اجرا، نظارت و کنترل است که، برای نیل به اهداف عملیاتی خاص در سطح جوامع شهری تنظیم شده است.

شکل‌گیری این فرآیند و تحقق اهداف عملیاتی آن نیازمند یک ساختار متناسب و کارآمد برای اعمال مدیریت است. در این ارتباط، مدیریت شهری باید دیدگاه جامع‌نگرتری درباره اجزا و عناصر سیستم شهری اختیار کند (Mcgill, 1998:464). و رویکردی جامع و کل نگر به فرآیند ساخت شهر داشته باشد (van Digk, 2006:3). رویکرد کل نگر، نیازمند هدایتی قوی است تا هماهنگی و همسویی لازم در فرآیند مدیریت شهری حاصل گردد و مطلوب ترین نیروی هدایتی، مطمئناً یک حکومت شهری یا محلی قوی در سطح شهر خواهد بود.

غالب در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران منجر به تهیه طرح‌ها برای شهروندان و نه با شهروندان می‌شود. تجربه راه‌های گوناگون مشارکت مردم در برنامه‌ریزی شهری به دلیل رویکردهای بالا به پایین، نافرجام مانده است.

شهر سیستمی پویا و زنده است که عملکردهای ساختارهای آن، پیوسته با هم تعامل دارند، برای تنظیم این روابط و پایداری سیستم، هماهنگی و یک پارچگی در مدیریت آن ضروری است و ما نمی توانیم کارکردهای مختلف شهر را به مدیریت منفک و برون ارتباط با هم بسپاریم و انتظار بهبود وضعیت داشته باشیم.

هدف و روش پژوهش

در فرآیند توسعه پایدار شهری، پرداختن به جایگاه و نقش مدیریت در توسعه شهری الزامی می‌باشد. پرداختن به مدیریت شهری رویکرد جامع‌نگر و داشتن شناخت درستی از موقعیت‌ها، منابع مادی و ارزش‌های معنوی و اجتماعی را می‌طلبد (رضویان، ۱۳۸۱، ۱۵۹). بر این اساس، در راستای بهبود مدیریت شهری کشور از نظر تقویت بنیه نظریه‌پردازی با در نظر گرفتن سابقه تاریخی مدیریت شهری کشور و با هدف بهره‌گیری از مزایای مدیریتی آن با توجه به اهمیت و نقش مدیریت شهری در حل مسائل و مشکلات شهر و شهروندان، تحولات جمعیت شهری کشور و همراه با آن ظهور فناوری‌ها و ایده‌های جدید مدیریتی در این پژوهش با استفاده از روش‌های توصیفی (مطالعات کتابخانه‌ای)، تحلیل داده- های ثانویه (اسنادی) و تکنیک تحلیل محتوا بر اساس معیارهای مستخرج شده از منابع مختلف به بررسی و مقایسه تطبیقی (تحلیل مزایا و معایب) میان رویکرد مدیریت سنتی و جدید شهری کشور ایران از دوره حکومت ماد (۷۸۰ قبل از میلاد) تا دوره جمهوری اسلامی (سال ۱۳۹۵ ه.ش) پرداخته شده است. بنابراین هدف مقاله حاضر با در نظر گرفتن موضوع پژوهش دستیابی به مدیریت شهری سازنده و علمی (هوشمند) با بهره‌گیری از سابقه مدیریت شهری کشور در دوره‌های تاریخی به عنوان رویکرد بومی و محلی (درون‌زا) در کنار آن رویکردهای نوین، مشارکتی و جدید مدیریت شهری می‌باشد. مطالعات حاضر در سه مرحله کلی پیش بینی شده است. مرحله اول با عنوان «شناخت و تحلیل» شامل بررسی نظریه‌ها و اصول مدیریت شهری و شناخت ابعاد مختلف مدیریت منطقه شهری در وضعیت گذشته و موجود است. در مرحله بعد براساس چارچوب

پژوهش‌های مختلفی چه در عرصه‌های نظری و چه تجربی در زمینه ساختارهای مدیریت شهری انجام گرفته است. بررسی ادبیات نظری مرتبط با مدیریت و توسعه سازمانی؛ نشان می‌دهد که سازمان و تشکیلات اداری مورد نیاز جهت انجام وظایف مدیریت شهری باید از ویژگی‌هایی به این شرح برخوردار باشد: " پوشش کامل همه امور شهری در هر دو بعد جغرافیایی و عملکردی"، حضور عناصر منتخب شهروندان در سیستم مدیریت شهری، " شمول مدیریت شهری بر سیاست گذاری و برنامه ریزی فضایی"، که دست یابی به این الزامات نیازمند تعیین دقیق جایگاه سیستم مدیریت شهری در نظام سیاسی و اداری کلان کشورها است (مرکز پژوهش‌های شهری و روستایی، ۱۳۸۴: ۱۸۸).

مدیریت شهری (مفهومی چند وجهی) به صورت امری پیچیده، چند نقشی و چند بخشی می‌باشد. سابقه نظریه‌پردازی در مورد مدیریت و تصمیم‌گیری به عنوان عامل اساسی و غالب در روند شهرسازی فراتر از قرن حاضر نمی‌رود (پاپلی یزدی و رجیبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۳۲۳). اما مدت‌ها پیش افلاطون مدیر مدینه فاضله را پادشاه فیلسوف می‌داند و فارابی برای مدیر آرمان شهر ۱۲ خصلت تندرستی، نیرومندی حافظه، هوشیاری، خوش سخی، دوستدار آموزش و... بیان می‌کند (همان، ۱۰). جان گالبرایت و مارکوزه بر مدیریت تخصصی و ویلیام وایت بر مدیر و انسان عقلایی، انسان سازمانی تاکید دارد. افرادی چون لی پریستون و جیمز پست در سال ۱۹۷۳ نظریه مدیریت مشارکتی، پال در سال ۱۹۷۵ نظریه مدیریت مداری شهری مطرح کرده‌اند.

طریقه سازماندهی و مدیریت یک شهر، نگرش دو سویه اجتماعی دارد. از یک سو مقتضیات محلی و از سوی دیگر اهداف مهم ملی مد نظر قرار می‌گیرد (ایمانی جاجرمی و دیگران، ۱۳۸۱، ۵۲). برای مدیریت شهری دو پارادایم وجود دارد. پارادایم نخست که «حکومت»^۱ و حکومت شهری^۲ نام دارد، شهرداری مسؤلیت تمام امور بر عهده داشته، و به عنوان مدیریت شهری زیر مجموعه‌ای از حکومت محلی می‌باشد. پارادایم دوم که «حکومت‌داری»^۳ نام دارد، مسؤلیت اداره امور عمومی میان سه نهاد شهرداری، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم شده است (همان، ۹).

مدیریت شهری باید ضمن دارا بودن برنامه‌ای برای وضع موجود شهر و فایق آمدن بر مشکلات آن، برنامه‌های آینده شهر در راستای ایجاد شهری بر مبنای محیط زیستی پایدار، مولد، ایمن و انسانی را تدوین و بر اساس

آن‌ها به ترسیم آینده ایده‌آلی که بر مبنای واقعیت‌ها و شرایط زمان و مکان قرار دارد بپردازد (شیعه، ۱۳۸۲، ۳۹).

مدیریت شهری ارتباط نزدیکی با توسعه اقتصادی شهر دارد (Kumar Raut, 2001, 9). و در بهبود سکونتگاه‌های انسانی و پایداری توسعه شهری مهم ترین نقش ایفا می‌کند (شیعه ۱۳۸۲، ۳۷). و مهم‌ترین اهداف آن را می‌توان ارتقای شرایط کار و زندگی (کیفیت) جمعیت ساکن در قالب اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی نام برد (سعید نیا، ۱۳۷۹، ۴۶).

در دیدگاه جدید مدیریت شهری تغییر نگرش نسبت به نقش دو بخش دولتی و خصوصی در فرآیند توسعه جامعه مورد تأکید است (اردشیری، ۱۳۷۹، ۱۲). مدیریت علمی اساسی‌ترین امری است که می‌تواند در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، مشارکت اجتماعی و حفظ محیط زیست شهری موثر باشد (میرزایی، ۱۳۸۳، ۱۲۶). و مدیریت جدید شهری به سوی مدیریت رشد، مدیریت مشارکتی- مردم گرایی، مدیریت دانش در مدیریت شهری، دورن‌زایی، کنترل توسعه، نظریه رشد هوشمند و غیره پیش می‌رود.

سابقه علم مدیریت شهری به پیدایش شهر و ضرورت تدوین اصول و مقررات و قوانین زیستن انسان‌ها در کالبد زیستی، روانی و اجتماعی باز می‌گردد (زبیری و همکاران، ۱۳۸۸، ۲۱۳). از جمله مطالعات در این زمینه می‌توان به مقاله نظام نوین مدیریت شهری در ایران توسط منوچهر مزینی، مدیریت شهری در ایران؛ فراز و فرود توسط اردشیر جواد، لزوم تحول مدیریت شهری، اسماعیل شیعه و... اشاره نمود.

در ایران با توجه به دو عامل انتخابی بودن و ارتباط نزدیک و مستقیم با مردم دو سازمان شهرداری و شورای شهر می‌تواند یکی از بهترین سازوکارها برای تحقق حکمرانی خوب و توسعه شهری باشد (ایمانی جاجرمی، فیروزآبادی، ۱۳۸۶، ۹۴-۹۲).

محمد رحیم رهنما نظام جدید مدیریت شهری تعامل چهار عامل شهروندان، شورای اسلامی شهر، شهرداری و حکومت می‌داند (رهنما، ۱۳۸۰، ۶۳). وگان^۴ دست اندرکاران امور شهری، اعم از مدیران شهر، بخش خصوصی باید به ترویج هنر و مهیا ساختن آموزش، زندگی ساکنان شهرها را بهبود بخشند و به نظر مایلز فریدمن باید در تدوین برنامه‌های مدیریت توسعه‌ای و

برنامه‌های منطقه‌ای و کشوری، جایگاه شهر و مدیریت به روشنی تبیین گردد (شعبه، ۱۳۸۲، ۴۰).

جدول ۱: معیار شناسایی مدیریت سنتی و جدید

ردیف	معیار	مدیریت سنتی	مدیریت جدید
۱	سیک‌های سازماندهی	متمركز	غیرمتمركز
۲	شیوه مدیریت و تصمیم‌گیری	انعطاف ناپذیر، رابطه‌ای	انعطاف پذیر، ضابطه‌ای
۳	اجرای تصمیمات	ناقص و رابطه‌ای	از طریق اطلاع‌رسانی و درخواست
۴	تخصص	نا مرتبط	مرتبط با مدیریت شهری و تخصصی
۵	قدرت رهبری مدیران	ضعیف (مرجع مافوق)	قوی (حامی، مربی)
۶	آموزش کاربردی	کم (آزمایش و خطا)	آموزش مدون و مستمر
۷	نظارت	ضعیف، سطحی	قوی، چند جانبه
۸	قوانین و مقررات	پیچیده و سخت گیرانه اما غیر موثر	منطقی و لازم الاجرا
۹	نیروی محرک توسعه	بخش دولتی	بخش خصوصی
۱۰	الگوی انجام کار	سلیقه‌ای	پروژه‌ای و ماموریتی
۱۱	مشارکت	منفعل	فعال
۱۲	سیاست	روزمه‌گی	برنامه‌ریزی هدفمند و آینده نگر
۱۳	راهبردها	نامعین، مقطعی و کوتاه مدت	مشخص، بلند مدت
۱۴	راه کارها	غیر شفاف، مخفی	شفاف، علنی
۱۵	تفکر- دید	قومی و قبیله‌ای	سیستمی- کلی
۱۶	نوع منابع	بهره از منابع طبیعی	تکیه بر توسعه انسانی
۱۷	انجام کار	فردی	گروهی
۱۸	نظارت و ارزیابی	کم	مستمر
۱۹	بهره‌وری	کم	زیاد
۲۰	توزیع منابع	نامناسب، رابطه‌ای	مناسب، سیستمی
۲۱	جذب منابع	غیر رقابتی	سالم
۲۲	گردش مالی	کند	سریع
۲۳	خطر پذیری	پایین	بالا
۲۴	برنامه‌ریزی	برنامه‌ریزی محدود	برنامه‌ریزی غیر متمركز
۲۵	هماهنگی مدیریتی در اجرای سیستم	ناهمگون، نا هماهنگ	همگون، هماهنگ
۲۶	رهیافت	رهیافت بالا به پایین در طراحی، اجرا و ارزشیابی، رهیافت‌های شخصی	رهیافت پایین به بالا در طراحی، اجرا و ارزشیابی، رهیافت‌های جامع بر مبنای کلیت برنامه
۲۷	زمان و مکان	محدودیت زمان و مکان	بی‌کمرانی زمان، مکان و توجه به مکان و زمان گذشته

منبع: مهدوی و نجفی کانی، ۱۳۸۴، ۲۳، مقیمی، ۱۳۸۲، ۸۱ و اضافات نگارندگان، ۱۳۹۰

شهرداری‌ها در همه کشورها تحت یک عنوان و در یک رده حکومتی واحد قرار ندارند. بلکه بسته به نوع نظام حکومتی و تقسیمات سیاسی کشورها از جایگاه-های متفاوتی برخوردارند. تجربیات جهانی نشان می‌دهد؛ رویکرد مدیریتی به امور و مسایل شهری ضمن تخصصی شدن به سمت ابعاد جدیدتری پیش می‌رود و با توجه به شرایط جغرافیایی (طبیعی و انسانی) و وضعیت جهانی (فناوری‌های نوین و تصمیمات جهانی) مدیریت شهری قابل ارزیابی و تحلیل می‌باشد.

بحث و یافته‌ها

تحلیل ساختار و عملکرد مدیریت شهری در ایران

مدیریت شهری در ایران پیوندی همه جانبه با نظام سیاسی حاکم با کشور دارد. بر این اساس، ویژگی‌های نظام سیاسی مانند باز یا بسته بودن، متمركز یا غیر متمركز بودن بازتاب خود در شهرها و مدیریت شهری

نشان می‌دهد (سعید نیا، ۱۳۸۳، ۵۵). مدیریت شهری در دوره‌های مختلف از حاکمان محلی و داوران شهری دوره‌ی ماد و هخامنشی، انجمن‌های مالی و صرافیه دوره هخامنشیان، شورای شهر و مجلس سنای شهر حکومت سلوکیان، نظام اداری شهرها در دوره اشکانیان را که حزب و شورا اداره می‌کردند و شهربان (شهردار) زیر فرمان دولت مرکزی ساسانیان که با حذف استقلال نهادهای مدیریت شهری و وابستگی آن‌ها به حکومت مرکزی همراه بوده همگی به اشکال متفاوتی مدیریت شهرها را بر عهده داشته‌اند. در جدول (۲) سیر تکوین و تحولات مدیریت شهری در دوره‌های تاریخی ایران نشان داده شده است.

مدیریت شهری به شکل نو نیز در ایران به دوران پس از مشروطیت تعلق دارد. ساخت مدیریت شهری ایران تا قبل از تغییرات نظام اداری در دوران معاصر از شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه تأثیر می‌پذیرفته است. (مدیر به صورت انتصابی) پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به تغییر بنیادین نظام سیاسی کشور و بر اساس تلاش برای افزایش مشارکت و دخالت مردم در اداره امور شهر و سیاست عدم تمرکز در اداره عمومی کشور و ضرورت سپردن امور محلی به دست مردم محلی بر اداره شورایی کشور (در سطوح مختلف کشوری، استانی، شهری و روستایی) در قانون اساسی تأکید شده و از جمله تغییرات مهمی که بعد از انقلاب اسلامی در مدیریت شهری به وجود آمد به شرح زیر می‌باشد.

ساختار دولت در ایران، زمینه‌ساز تسلط گسترده در اداره امور شهر شده است (رهنمایی و کشاورز، ۱۳۸۹، ۲۳).

سازمان اداره کننده امور شهری در بخش دولتی (سطح کلان) شامل چندین وزارتخانه و سازمان می‌باشد. بخش نیمه دولتی (شهرداری‌ها) که عملکرد مستقلی ندارد، بخش مردمی تنها شورای اسلامی می‌باشد و بخش خصوصی در امر مدیریت شهری مشارکت فعال و عملیاتی ندارد و یا مشارکت غیر مستقیم دارد.

مدیریت شهری در ایران به عنوان سازمان‌های محلی زیر مجموعه‌ای حکومت محلی می‌باشد (پارسایی، ۱۳۸۱، ۸۱). ساختار نظام مدیریت شهری در ایران با تأکید بر شوراها و شهرداری‌ها (مدل شورا-مدیر شهر) می‌باشد جدول (۳). مدیریت شهری در کشور (شهرداری‌ها) از گونه سازمان‌های محلی هستند نه حکومت محلی مستقل و سطوح مدیریت شهری در ایران به سه سطح کلان، منطقه‌ای استانداری و ناحیه‌ای/محلی تقسیم بندی می‌شود.

شکل (۲) و شکل (۳) مدل مفهومی سطوح مدیریت شهری در جمهوری اسلامی (مدل کنونی مدیریت شهری کشور که کلیه اجزاء و عناصر دولت مرکزی دارای نقش و منافع مشترک متداخل و لایه لایه در حوزه مدیریت شهری می‌باشند) و سطوح مدیریت شهری در رابطه با زمان نشان می‌دهد.

جدول ۲: سیر تکوین و تحولات مدیریت شهری در دوره‌های تاریخی (حکومت‌های مختلف) ایران

نام سلسله	تاریخ	مدیر شهر	ویژگی شهری و نحوه انتخاب، حوزه و حیطه مدیریت و اداره شهر
ماد	۷۸۰-۵۵۰ ق.م	دولت، رأس هرم قدرت (۱، ۲۳). نهادهای مدیریت شهری ابتدایی و دارای تحول بطنی (۳) و (۸، ۳۸).	شهرهای با کارکرد نظامی و سیاسی نهادهای مدیریت شهری ابتدایی مرجع انتصاب شاه- حوزه اداری، سیاسی و امنیتی شهر و منطقه؛ نظارت بر عناصر- هماهنگی و ارتباط با شاه و حکومت مرکزی نهادی شدن مفهوم دولت و رأی طبقات اجتماعی و دودمان‌های عشیره‌ای؛ نظام شهپدیری متمرکز، شهر نظامی، سیاسی، شهر قدرت (۲) پدشاهی (ویس) (۱۰، ۱۸۵).
هخامنشیان	۵۵۹-۳۳۰ ق.م	حاکمان محلی و داوران شهری وابستگی به دولت مرکزی فرمانروایی ساتراپ نشین‌ها: خسترپاون نشین‌ها، شهربان، والی و حاکم ارگ شهرها؛ ارگ بات - دژبان (۶، ۸۴).	شهرهای اداری، سیاسی (۲، ۲۰۲)، انجمن‌های مالی و صرافیه در شهر شکل می‌گیرند- اشرافیت دودمانی- شار پارسی مسئول امنیت منطقه، جمع آوری مالیات و و خراج‌های معهود (۷، ۷۷)، سرباز و نیروی نظامی، رسیدگی به دعاوی مردم و حق ضرب سکه (۱۰، ۱۸۷). خانه، ده، طایفه، کشور (۱) امور نظامی و ایجاد امنیت و گرد آوری مالیات (۶)
سلوکیان	۳۳۰-۱۲۹ ق.م	مردم سالاری اشرافی (۳، ۹) شورای شهر و مجلس سنای شهر (۴، ۱۲۱). استراتگ (انتخابی) واپسای (انتصابی) (۹، ۱۸۷).	دولت شهر و شهرهای خود فرمان و خود مختار (شهرهای نو) سلوکی تحت نظارت حکومت مرکزی (۲، ۲۰۲). مجلس ملی و شورایی منتخب از شهروندان (۹، ۱۸۷).
اشکانیان	۲۵۰ ق.م- ۲۲۶ میلادی- (۱۲۱). والی (بیستاک سس)، ویتاکسا (۷، ۱۴۴)	سیاست اداره شهر تابعیت پادشاه (۴)، والی (بیستاک سس)، ویتاکسا (۷، ۱۴۴)	سیاست اداره شهر تابعیت پادشاه رهبران ایالت انتخاب از طریق مجلس مهستان یا مغستان و نظام اداری شهرها را حزب و شورا اداره می‌کردند (۹، ۱۸۹-۱۸۸).

نام سلسله	تاریخ	مدیر شهر	ویژگی شهری و نحوه انتخاب، حوزه و حیطه مدیریت و اداره شهر
ساسانیان	۶۵۲-۲۲۶ م	شهرباران (شترداران-حکام شهری و منطقه‌ای) (۹، ۱۹۱)؛ شهرباب: زیر فرمان دولت مرکزی؛ شهربانها (حکمران هر بلوک شهر): انتخاب از میان دهگنان (۶، ۱۶۳-۱۶۷).	شهرباب (شهربار) زیر فرمان دولت مرکزی - دخالت حکومت در زندگی شهری و امور اصناف و بازرگانان و فعالیت های اجتماعی و اقتصادی آن ها و حذف استقلال نهادهای مدیریت شهری و وابستگی آن‌ها به حکومت مرکزی (۳) شهرباب: جمع آوری مالیات، ایجاد نظم و امنیت، شهر و منطقه
اسلام	۶۱۰ م	در پایتخت: پادشاه، در مرکز ایالات والی: حکام بیگلربیگیان -حاکم یا امیر شهر/ امام-خلیفه: اداره امور سیاسی و امنیتی شهر و منطقه (۲، ۱۹). امور اجتماعی اقتصادی و امور مربوط به شهرداری: رئیس شهر، کلانتر و کدخدایان، امور انتظامی: عسس و داروغه امور قضایی توسط قضات (۲، ۲۲).	ماموران محلی و دولتی امور اجتماعی، اقتصادی و انتظامی هر شهر را اداره می-کردند- قصبه، مدینه و قریه: استقلال شهرها بر اساس مقیاس کاهش یافت- وابستگی به حوزه بزرگتر (۳، ۸۲) شرطه (نظامی)، اشراف (امنیتی)، استیفا (دارایی)، برید (پست)، رسائل (مکاتب دولتی)، املاک خاصه و حسب (امور شهری)، قضا (دولت). (۲) و (۴، ۱۲۵).
سامانیان	۴۴۷-۳۷۱	خان نظامی (۵، ۶۴)، درگاه و دربار، دیوان-حاجب سالار (۹، ۲۰۰)، ملک-الطولایی	امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی (۵، ۶۴). مدیر شهر در ایالات-امیر (۹، ۲۰۰).
ایلخانیان	۷۱۴-۶۳۸	کلانتر	رابطه‌ای میان اهالی غیر نظامی و حکومت (۶) انتخاب از سوی شاه و افراد با نفوذ محلی
سلجوقیان	۵۰۳-۶۷۲	دیوان حسب و محتسب (۱)	حاکم و علمای مذهبی شهر نظارت بر انجمن‌های صنفی (۱)
صفویه	۱۱۱۴-۸۷۸	شهربانی - کلانتر (مالیات)، امور انتظامی (داروغه)، حاکم شهر خان و در منطقه والیان، بیگلربیگی-خان سلطان (۹، ۲۰۲).	اداره امور و کنترل جمعیت، حفظ مراکز انتظامی و رسیدگی به امور خلاف، حل مشکلات مردم و اصناف، جمع آوری مالیات و عوارض بازرگان، و تعیین و تشکیل صنف کاسبان (۱) و نظارت بر کیفیت محصولات (۱)
قاجاریه	۱۳۰۲-۱۱۷۴	حکمران (مسئولیت انتصاب و عزل کلانتر و کد خدا) -سلسله مراتب در شهرهای بزرگ: بیگلربیگی (عنوانی از کلانتر های شهرهای بزرگ، کلانتر، کدخدا باشی و کد خدا (۶) در ایالات و لایت نایب الحکومه (۹).	کلانتر-رئیس نظمیۀ (پس از مشروطه) (نظم و امنیت داخل شهر- قیمت اجناس) کدخدا (نظم و امنیت اطراف شهر و محلات شهر)
پهلوی	۱۳۵۷-۱۳۰۲	شهردار، شهرداری= کارمند و سازمان دولتی (وزارت کشور).	قانون تشکیل شهرداری‌ها و انجمن شهر/ انجمن بلدی
جمهوری اسلامی	۱۳۹۱-۱۳۵۷	شهردار و نظارت مستقیم از طریق شورای شهر	شورای شهر انتخاب شهردار (اصل یک صد و یک تا یک صد و شش قانون اساسی/ ماده ۷۱ قانون شوراها (اسلامی) امضای حکم آنان در شهرهای کمتر از ۲۰۰ هزار نفر با امضای استاندار و بیش از ۲۰۰ هزار نفر و شهرهای مرکز استان با حکم و امضای وزیر کشور

منبع: ۱. مستوفی الممالک ۲. دهاقانی ۳. پارسایی ۴. سعیدینیا ۵. حبیبی ۶. کلمان هوار ۷. شاملوئی ۸. فاطمی ۹. شیعه.

جدول ۳: جمع‌بندی ویژگی‌های مدل‌های مختلف مدیریت شهری ایران و تغییرات قوانین آن از سال ۱۲۸۶ - ۹۱

عنوان قانون	ارکان	مراجع انتصاب	مرجع برکناری یا انحلال	مدل کلی	توضیحات
انجمن بلدی	انجمن بلدی	انتخاب مستقیم مردم به تفکیک محلات شهری	-	مدل رهبری	کلانتر از میان اعضاء انجمن بلدی توسط انجمن برای سمت
قانون بلدی ۱۲۸۶ ه.ش	هیئت اجرایی بلدی	انجمن بلدی	انجمن بلدی	جمعی گرفته شده از قوانین کشور بلژیک	انتخاب به وزارت داخله برای صدور حکم معرفی می‌شد. کلانتر همزمان رئیس انجمن بلدی نیز بود
قانون بلدی ۱۳۰۹ ه.ش	رئیس اداره بلدی	انجمن بلدی	انتخاب مستقیم از میان نمایندگان طبقات، تجار، اصناف و ساکنین	رهبری اجرایی مدیر منتصب دولت مرکزی	وزارت داخله
قانون تشکیل شهرداری‌ها و شهردار	انجمن شهر شهردار (مدیر)	انتخاب توسط مردم بر اساس محلات شهری توسط انجمن شهر و	-	مدل شورا-	انجمن شهر

مطالعات مدیریت شهری

سال نهم

در این شماره از زمستان به بهمن ماه ۱۳۹۶

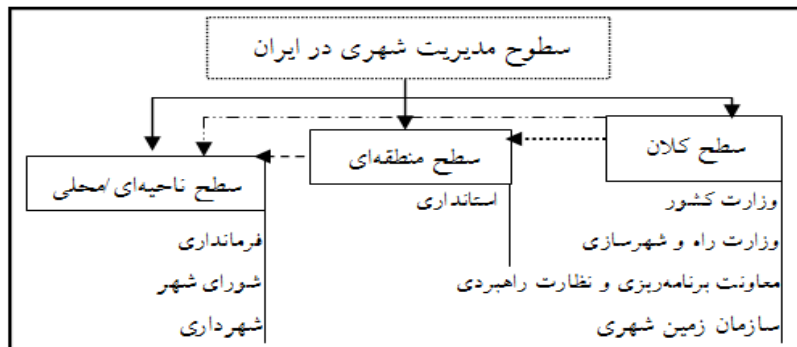
سه نفر را برای تصدی مدیر

زمستان ۱۳۹۶

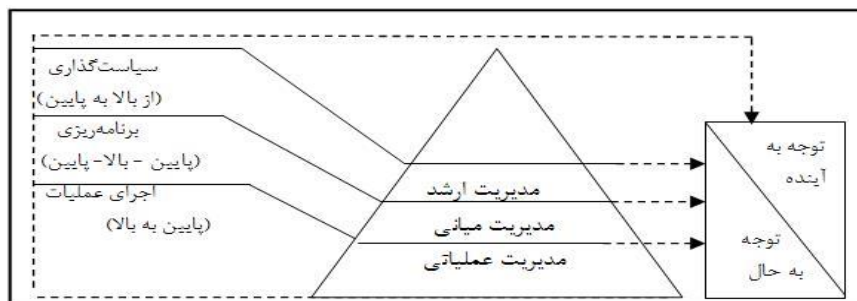
۴۱

عنوان قانون	ارکان	مراجع انتصاب	مرجع برکناری یا انحلال	مدل کلی	توضیحات
انجمن شهر و قصابات ۱۳۲۸	شهر (شهر) معاون شهردار	وزارت کشور توسط انجمن شهر به پیشنهاد شهردار	شهردار با تأیید انجمن شهر	مدیر شهر	شهر به وزارت کشور پیشنهاد می‌داد تا این وزارتخانه یکی را برگزیند و حکم صادر کند.
لایحه قانونی شهرداری مصوب ۱۳۳۱ ه.ش	شهردار (مدیر شهر) معاون شهردار	انتخاب توسط مردم بر اساس حوزه‌بندی شهری توسط انجمن شهر پیشنهاد شهردار	هیئت وزیران انجمن شهر -	مدل شورا-مدیر شهر	این لایحه قانونی بر اساس اختیارات اعطایی مجلس در دولت ملی دکتر مصدق تصویب نشد و اساس قوانین بعدی در اداره امور شهرها تشکیل داد.
قانون شهرداری - ها مصوب ۱۳۳۴ ه.ش	انجمن شهر شهردار (مدیر شهر) معاون شهردار	انتخاب توسط مردم بر اساس حوزه‌بندی شهری انجمن شهر شهردار (مدیر شهر)	هیئت وزیران انجمن شهر شهردار	مدل شورا-مدیر شهر	-
مدل کنونی منعیث از قانون شهرداری‌ها ۱۳۳۴ و قانون شوراهای مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحی سال ۱۳۸۲	شورای شهر شهردار (مدیر شهر) شهردار	انتخاب توسط مردم شورای شهر شورای شهر	هیئت حل اختلاف مرکزی شورای شهر	مدل شورا-مدیر شهر	تصمیم‌گیری در خصوص انحلال شورای شهر بعد از تصمیم‌گیری در هیئت حل اختلاف مرکزی متشکل از نمایندگان قوه مجریه، قضایه و مقننه و نمایندگان شورای عالی استان‌ها صورت می‌گیرد و قابل اعتراض در دادگاه صالحه است.

(احمدآخوندی و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۵۲).



شکل ۲: مدل مفهومی سطوح مدیریت شهری در جمهوری اسلامی ایران (نگارندگان، ۱۳۹۰)



شکل ۳: سطوح مدیریت شهری در رابطه با زمان (ارجمندنی و دیگران، ۱۳۷۹، ۷۹)

شوراهای اسلامی شهر به عنوان هدایت کننده اصلی فعالیت‌های شهری برای تحقق مدیریت واحد شهری تعریف می‌شوند (بهشتی، ۱۳۸۰، ۴۰). اما شوراهای شهر در شهرها به دلایلی در زمینه مدیریت شهری توفیق زیادی نداشته‌اند که دلایل عدم توفیق شوراهای اسلامی در شهرها به عدم وجود ساز و کارهای حقوقی و قانونی در تحقق شوراها در کشور، روشن نبودن وضعیت شوراها در ساختار رسمی کشور، فقدان پشتوانه و منابع مالی برای شوراها، فقدان نیروهای متخصص در امور شهری در شوراهای اسلامی و... از جمله دیگر مواردی است که عملاً مسیر تضعیف شوراها را هموار کرده است (صدیق، ۱۳۸۶). یکی از فاکتورهای اساسی برای اجرای برنامه‌ها و رسیدن به توسعه پایدار حکمروایی خوب و نوع مدیریت باید مورد توجه باشد تا بتوان برنامه ریزی از بالا به پایین را معکوس کرد و مردم را در تعیین سرنوشت خود سهیم کرده و از پیچیدن نسخه‌های مشترک اجتناب نمود.

پراکنده بودن امور اداره شهر در بین دستگاههای مختلف اجرایی، موازی کاری، دوباره کاری و تداخل وظایف دستگاههای اجرایی (درگیری سازمانی و هدر رفتن سرمایه) و عدم مدیریت یکپارچه شهری موجب نا-هماهنگی در توسعه و عمران شهری شده است. بنابراین؛ ضروری است که چارچوبی مناسب به منظور بازساماندهی ارتباطات سطوح مختلف مدیریت شهری در راستای تقویت حکومت‌های محلی، مشارکت مردمی ارائه و اصلاح ساختار و تصمیم‌گیری‌ها تا رسیدن به وضع مطلوب ادامه یابد. در جدول (۴) سیر تحول مدیریت شهری در ایران در سه دوره سنتی، مدرن و فرامدرن نشان داده شده است.

جدول ۴: سیر تحول مدیریت شهری در ایران

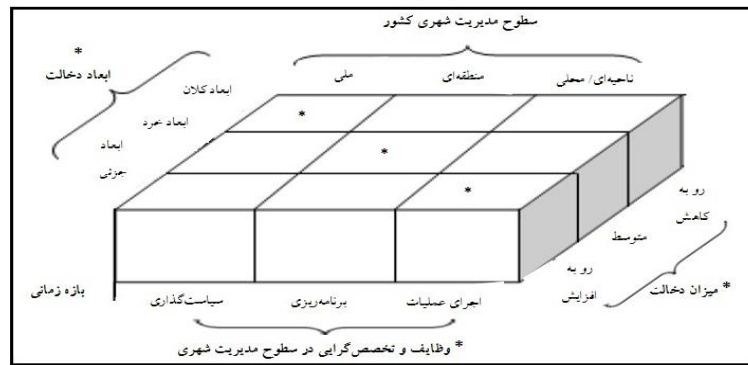
شرایط حکمرانی	دوره تاریخی	الگوی حکمرانی
سنتی	قبل از ۱۲۸۵	استبدادی - عرفی - متمرکز
مدرن	۱۳۷۸-۱۲۸۵	مطلقه - قانونی - متمرکز
فرامدرن	۱۳۷۸ به بعد	مشارکتی - خودگردان - تمرکززدایی

(ملکی، ۱۳۸۳، ۲۰)

با گذشت زمان (از سال ۱۲۸۶ تا ۱۳۷۷) میزان دخالت سطوح مدیریت ملی (سطح کلان) و منطقه‌ای (سطح خرد) در ابعاد جزئی مدیریت شهری روبه کاهش بوده و به ترتیب در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فعالیت می‌کنند، بر این اساس، میزان تخصص‌گرایی در مدیریت شهری در سطح محلی روبه افزایش می‌باشد. شکل (۴) مدل ساختاری پنج بُعدی سطوح مدیریت شهری کشور در ابعاد سطوح مدیریتی، میزان دخالت، ابعاد دخالت و انجام وظایف و تخصص‌گرایی در ارتباط با بازه زمانی نمایش می‌دهد.

مطابق شکل بالا نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در ایران متمرکز بوده و نظارت بر توسعه شهری و اداره امور آن‌ها از طریق سازمان‌های دولتی و عمومی در سطح ملی و ناحیه‌ای/ محلی صورت می‌گیرد. برای ترتیبات نهادی لازمه چنین یکپارچگی، تقاطعی بین ساختار بخشی (Sectoral) «بخش دولتی» (دستگاههای دولتی) با ساختار فضایی (Spatial) «بخش عمومی» (شهرداری‌ها و شورای شهرها) است؛ در واقع نیاز به ایجاد سطح حکومت محلی در ایران است که با تفویض اختیار و منابع مرتبط به شهرداری و شوراها برای تمام اموری که در سطح شهر قابل اجرا، اداره و پاسخگوئی است، می‌تواند عملی شود.

شهرداری به عنوان مهم‌ترین عنصر مدیریت (مهم-ترین سازمان اجرایی مدیریت شهری ایران) برای نیل و تحقق اهداف توسعه شهری ضروری می‌باشد که براساس تامین نیازهای مشترک شکل گرفته است (ایمانی جاجرمی و دیگران، ۱۳۸۱، ۹). مدیریت شهری را می‌توان شاخه‌های نسبتاً جدید علم مدیریت دانست، یکی از مهمترین ارکان این نظام، شوراهای شهر است. که نهادی کاملاً مردمی محسوب شده و عهده دار بحث، بررسی و تصمیم‌گیری درباره مسائل روزمره و امور مردم هستند. هدف اصلی تشکیل شورای اسلامی شهر، پیشبرد سریع برنامه‌های توسعه شهری از طریق همکاری و مشارکت مردم است به همین خاطر در ایران شوراها به عنوان یکی از نهادهای نظارتی بر عملکرد بخش عمومی، فلسفه وجودی پیدا می‌کند (پیرموزن، ۱۳۸۱، ۳۸).



شکل ۴: مدل ساختاری پنج بُعدی سطوح مدیریت شهری کشور (نگارندگان، ۱۳۹۰)

دست داده و با تنگناهای عملی فراوانی روبرو است (صرافی و همکاران، ۱۳۹۰، ۳). رشد سریع نقاط شهری و شهرنشینی در چند دهه اخیر و ایفای نقش چندگانه و حوزه‌های گسترده مدیریت شهری (مدیریت مالی شهری، مدیریت حمل و نقل و...) و ظهور دیدگاه‌های جدید مدیریتی، به کارگیری ابزارها و فناوری‌های جدید مؤثر در مدیریت شهری^۵ (IT)، پیچیدگی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و اهمیت آن و همچنین پیچیده بودن آینده شهرها برنامه‌ریزان و مدیران شهری را وادار می‌کند که روش‌های سنتی و قدیمی مدیریت شهری را رها کرده و با افکار و مدیریت نوین به برنامه‌ریزی و مدیریت بپردازند.

عوامل مؤثر در مدیریت شهری از جمله پویایی، تحول و دگرگونی‌های ساختاری (توسعه فیزیکی شهر) و اجتماعی (افزایش جمعیت شهر)، ناپایداری شهری تحت تأثیر تغییرات فن‌آوری و به همراه تعدد وظایف مدیریت شهری، نوعی ساختار علمی، قابل انعطاف و مشارکتی مدیریت شهری می‌طلبد. بر این اساس مدیریت جدید شهری تنها شامل بیان وظایف و فعالیت‌ها برای مدیران نمی‌باشد بلکه برخوردی نوین با مسئله مدیریت شهری است.

نارسایی‌های موجود در نظام مدیریت شهری کشور به علت ساختار متمرکز اداری و بخشی، بهبود و اصلاح این نظام می‌طلبد، چرا که مدیریت جدید شهری می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در فرآیندها توسعه پایدار شهری کشور داشته باشد. رویکرد جدید در مدیریت شهری عبارت است: اداره امور شهر به منظور ارتقاء مدیریت و رشد پایدار مناطق شهری در سطح محلی با تبعیت از اهداف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کل کشور می‌باشد که به عنوان بخش ناگسستگی از مسئله تمرکز-زدایی نیز تلقی می‌شود (ایمانی جاجرمی و دیگران،

تجزیه و تحلیل عناصر تأثیرگذار مدیریت شهری در سطوح مختلف (وظایف و اختیارات وزارتخانه‌ها و سازمان‌های گوناگون) و تغییرات سطوح مدیریت شهری در رابطه با زمان، نمایانگر وجود موازی‌کار در امر تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در سطح کشور است. از این رو، توسعه وظایف و اختیارات شهرداری‌ها و شوراهای شهر اجتناب‌ناپذیر است. توسعه وظایف اختیارات شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی با هدف توسعه اختیارات آن کلیه جنبه‌های مدیریت شهری را افزایش داده و استراتژی عدم تمرکز را محقق می‌سازد.

مدیریت مدل سنتی با حکومت مرکزی پیوند خورده است (Wekwete, 1997, 52). و روابط به صورت عمودی و تقسیم‌بندی‌های انعطاف‌ناپذیر شکل می‌گیرد. مدیریت شهر به عنوان یک رویکرد نوین در حل معضلات و مشکلات بوجود آمده در جامعه نقش مهمی به عنوان یک حکومت محلی در عرصه زندگی شهری ایفا می‌نماید.

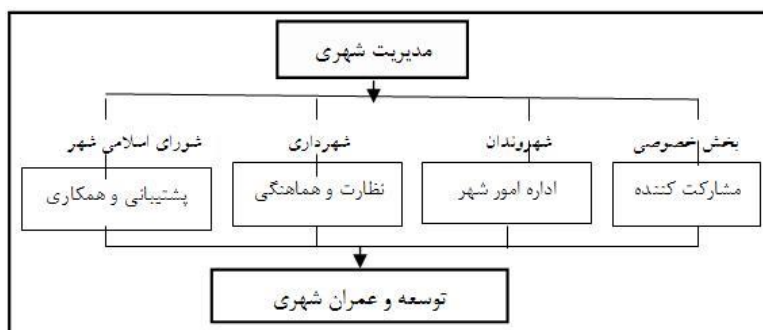
عملکرد و الگوی مدیریت جدید شهری در ایران

بر طبق آمارهای جدید سرشماری بیش از ۶۹٪ (درصد) مردم به صورت متوسط شهرنشین می‌باشند. این عدد در ارتباط با کلانشهرها که جمعیت متوسط ۱۶ استان را در بردارند، ۸۴/۷٪ (درصد) را به خود اختصاص می‌دهد. مقایسه این عدد با ۴۰ سال گذشته که ۳۸٪ (درصد) به صورت متوسط بوده است قابل تأمل است. تعداد شهرداری‌های کشور در سال ۵۳، ۲۷۳ عدد بوده که این تعداد هم اکنون ۱۱۰۰ می‌باشد.

نظام مدیریت شهری ایران طی سالیان طولانی به لحاظ ساختارهای اجتماعی و مدیریتی دگرگونی‌های پیچیده‌ای را تجربه نموده است. مطالعات و بررسی‌ها نشان می‌دهد مدیریت شهری متمرکز اعتبار خود را از

منابع مورد نیاز در ابعاد فضایی مدیریت نوین شهری شامل؛ اطلاعات، سرمایه، مشارکت مردم، قدرت، نیروی انسانی متخصص و غیره در مقابل آن وظایف نوینی نظیر مدیریت سازمانی، مدیریت مالی، مدیریت اطلاعات، مدیریت اجرایی، بازاریابی و ... مرتبط می‌شود که عوامل تأثیر گذار در ابعاد فضایی مدیریت نوین شهری عبارتند از بخش دولتی (ادارات دولتی، سازمان‌های کمک کننده)، بخش خصوصی (مشاغل، شرکت‌های خصوصی، سرمایه‌گذاران) و سازمان‌های غیر دولتی (سازمان‌های اجتماعی، اتحادیه‌های صنفی، گروه‌های حمایت کننده) و الزامات قانونی شکل‌گیری شوراهای اسلامی منتخب منطقه‌ای،

۱۳۸۱، ۴۹). پرداختن به مدیریت شهری نوین (تصمیم‌گیری و نظارت) مستلزم شرایط قانونی و ساختار جدید در کشور است بدین معنی که با ایجاد قوانین شهر، اداره و مدیریت فضای شهری به شهرداری (مدیریت شهر) واگذار شود (ارجمندینا و دیگران، ۱۳۷۹، ۷۰).
 نظام مدیریتی نوین شهری با همکاری و مشارکت شهروندان می‌تواند پایه گذار یک شهر سالم و پویا باشد. شیوه مدیریت جدید شهری لازم است بر پایه نگرش نوینی از حاکمیت و حکمرانی شهری باشد که نه تنها دولت، بلکه جامعه مدنی (شهروندان) و بخش خصوصی را به مشارکت در اداره شهر فرا خواند (ارجمندینا و دیگران، ۱۳۷۹، ۶۹)، شکل (۴) عناصر مدیریت شهری جدید را نشان می‌دهد.



شکل ۴: عناصر مدیریت شهری جدید (صرافی، عبداللهی، ۱۳۸۷، ۱۳۰)

شهرداری الکترونیک مدیریت شهری بایستی به سوی سیستم‌های اطلاعاتی خودکار (مدیریت هوشمند- مدیریت هوشمند ترافیک، Urban sim، WHAT IF، Cellular Automata) و حکومت‌های محلی مستقل و مدیریت محله مبنا پیش برود. در شکل (۵) مدل مفهومی معایب و محاسن مدیریت سنتی و جدید و بیان الگوی مدیریت آینده شهری و در جدول (۵) مقایسه تطبیقی حدود، وظایف، اختیارات، قوت‌ها (مزایا) و ضعف‌های (معایب) مدیریت سنتی و جدید شهری در ایران نشان داده شده است.

با توجه به وضعیت گذار کشور ایران از سنت به مدرنیسم (در حال توسعه) و این که ۷۰ درصد جمعیت کشور در شهرها ساکن می‌باشند و توقعات شهروندان از این رو اداره جامعه شهری با ابزار و شیوه‌های سنتی امکان‌پذیر نیست (رهنمایی و کشاورز، ۱۳۸۹، ۲۳).

در زمان حاضر وظایف مدیریت شهری در ایران را می‌توان به طور کلی در چهار حوزه ذیل دسته بندی نمود: ۱- وظایف سیاست‌گذاری، شامل: تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری امور شهری - هماهنگی و راهبری امور

ناحیه‌ای، محله‌ای و شوراهای منتخب استان در کشور می‌باشد (شیعه، ۱۳۸۲، ۵۱).

به دلیل گستردگی ابعاد و تغییر در ماهیت مسائل شهری و پیچیدگی این مسائل و متناسب با این تحولات مدیریت شهری جدید می‌طلبد. این مدیریت شامل برخوردی نوین با مسئله مدیریت مناطق شهری است و شیوه‌ای نوین از عملکرد یک سازمان در برخورد با دولت مرکزی و مردم و در واقع ساختار تشکیلاتی غیرمتمرکز- حکومت محلی مد نظر می‌باشد. از این رو، بر اساس اصول تمرکز زدایی، شهرداری‌ها با عهده دار بودن برنامه ریزی استراتژیک و مدیریت آن، آخرین تصمیم گیرنده در امور شهری خواهند بود (رضویان، ۱۳۸۱، ۵۴).

مدیریت شهری امروزه، علاوه بر آشنایی با فنون مدیریت، باید به گونه‌ای اعمال شود که با توجه به مسایل اجتماعی و اقتصادی، بر مبنای الگوی مشخصی به اعمال نقش بپردازد (شیعه، ۱۳۸۶، ۴۸). و به سمت تحقق مدیریت واحد مطلوب و شکل‌گیری حکومت محلی در شهر هدایت شود (صرافی، عبداللهی، ۱۳۸۷، ۱۲۲). در عصر دیجیتال و شهرهای الکترونیک -

گذار از حکومت شهری به صورت متمرکز و سلسله مراتبی و حرکت به سوی حکمروایی مطلوب و غیر متمرکز و مردم سالار (رویکرد حکمروایی خوب و متناسب با بافت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشور، همکاری بین جامعه مدنی و جامعه سیاسی) امری اجتنابناپذیر است (همان، ۲۳). در دیدگاه جدید مدیریت شهری، تغییر نگرش علمی و روشن نسبت به نقش دو بخش دولتی و خصوصی در فرآیند توسعه‌ی جامعه مورد تأکید است.

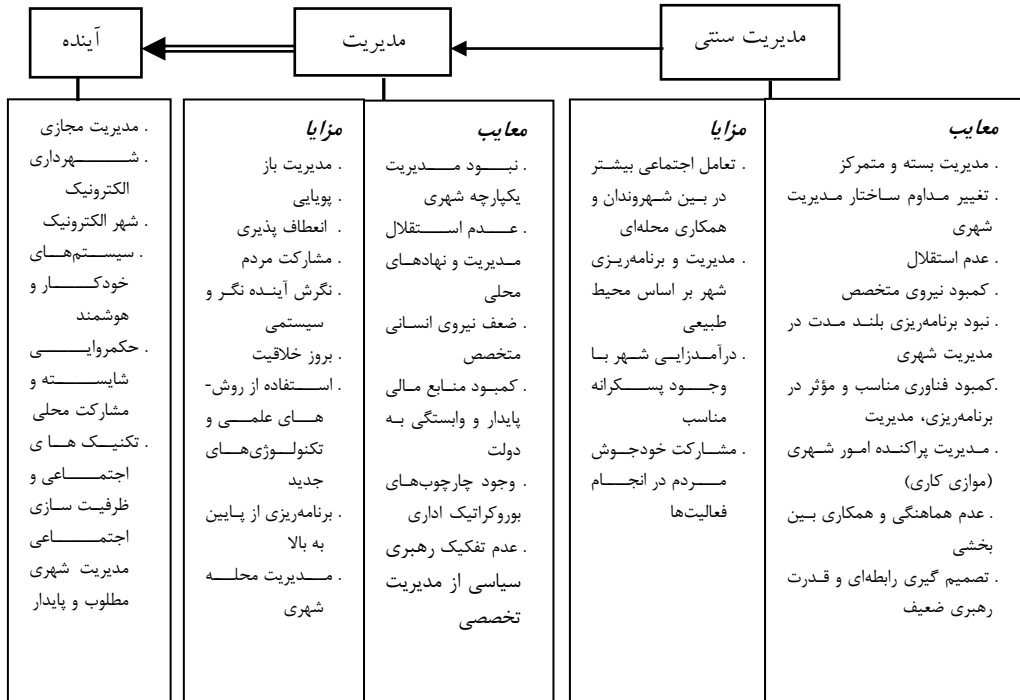
نظام مدیریت شهری ایران به سبب تمرکز در ساختار سیاسی- مدیریتی کشور نسبت به سیستم‌های فرادست و نظام‌های ملی و منطقه‌ای دارای رابطه‌ای خطی- عمودی و یک سویه‌ای است که آن را به سوی مدیریتی منفعل سوق داده است. به دنبال آن عدم فقدان انسجام کافی در تعاملات سیستمی با سطوح فرودست و داخلی آن را تبدیل به مدیریتی نامنسجم نموده است و در نهایت از نظر ابعاد محیطی نیز مدیریت شهری ایران به دلیل عدم برخورداری از بسترهای مناسب سیاسی، اجتماعی، مالی، حقوقی و مشارکت ناکافی کنشگران اجتماعی در محیطی نامساعد در حال فعالیت است.

در نهایت به منظور گذار از حکومت شهری به حاکمیت شهری در ایران، راهبردها و سیاست‌هایی پیشنهاد شده است. راهبرد اصلی پیشنهادی، تقویت عرصه عمومی در فرآیند کنترل و هدایت توسعه شهری است. مهمترین یافته‌های نظری تحقیق به شرح زیر است: ۱- طرح یک مفهوم جدید جهانی در ایران (تاکید بر فرآیند مشارکتی و مردم سالار در نظام اداره شهر). ۲- ارائه دیدی همه جانبه و جامع در زمینه بررسی نظام مدیریت توسعه شهری ایران. ۳- تأکید بر عوامل غیرکالبدی در نظام کنترل و هدایت توسعه شهری. ۴- ایجاد سطح تازه‌ای از شیوه‌های بررسی نظام شهرسازی در ایران (تاکید بر اصلاحات از درون و بیرون).

شهری - حقوق و ضوابط شهری - کنترل و نظارت امور شهری. ۲- وظایف برنامه‌ریزی؛ شامل: مطالعات شهری - برنامه‌ریزی شهری- امور اقتصادی و مالی. ۳- امور اجرایی، شامل: عمران شهری- زیرساخت‌ها و تجهیزات شهری- خدمات شهری- خدمات ایمنی شهری- خدمات ترافیکی و حمل و نقل عمومی شهر- فضای سبز شهری- زیباسازی شهری - خدمات فرهنگی و اجتماعی. ۴- امور اداری، شامل: پاسخ‌گویی به درخواست‌های شهروندان- صدور پروانه‌های گوناگون ساختمانی و صنفی- امور حقوقی و رفاهی پرسنل- هر یک از این وظایف در چارچوب قوانین و مقررات مربوطه، بسته به موضوع از سوی یکی از دو ارکان مدیریت شهری «شهرداری و یا شورای شهر» صورت می‌پذیرد (پرهیزکار و فیروزبخت، ۱۳۹۰، ۵۱).

از مهم ترین نقاط ضعف مدل رایج در مدیریت شهرهای ایران می‌توان به عدم تفکیک مدیریت سیاسی از مدیریت تخصصی، محدود بودن وظایف نهادهای مدیریت شهری، یکسان بودن مدل اداره امور شهر در تمام شهرهای کشور، ضعف مکانیسم‌های نظارت و تعادل بخشی در تنظیم رابطه شورا و شهردار، عدم شکل‌گیری شوراهای محله‌ای و منطقه‌ای زیر مجموعه شوراهای شهر و نحوه انتخاب اعضای شورای شهر می‌باشد. براین اساس ویژگی‌های سازمانی مدیریت شهری و نیز نقش اجرایی بخش دولتی و عمومی در آن، تأثیر بسزایی در موفقیت و یا عدم موفقیت آن ایفا می‌نماید.

در ساختار فعلی نظام مدیریت شهری کشور ارتباط سیستمی بین نهادهای مرتبط با مدیریت شهری (بهبود وضعیت تحصیلی و اجتماعی مجموع برگزیدگان شورای اسلامی شهرها در کشور، بهبود وضعیت کیفی در انتخاب شوراها از نظر مردم، افزایش میزان مشارکت شهروندان (امانپور و همکاران، ۱۳۹۴، ۹۸). در مسیر حکمروایی خوب و مشارکتی صورت گرفته است. مطابق شکل ۵



شکل ۵: مدل مفهومی معایب و محاسن مدیریت سنتی و جدید و بیان الگوی مدیریت آینده شهری (نگارندگان، ۱۳۹۰)

جدول ۵: مقایسه تطبیقی حدود، وظایف، اختیارات، قوت‌ها (مزایا+) و ضعف‌های (معایب-) مدیریت سنتی و جدید شهری در ایران

دیف	معیار	مدیریت سنتی	مدیریت جدید
		مزایا (+) / معایب (-) / حدود، وظایف و اختیارات	مزایا (+) / معایب (-) / حدود، وظایف و اختیارات
۱	سبک‌های سازماندهی	×	محدوده قانونی شهری
۲	شیوه تصمیم‌گیری	×	انعطاف ناپذیر، رابطه‌ای
۳	اجرای تصمیمات	×	ناقص و رابطه‌ای
۴	تخصص	×	عدم تخصص‌گرایی
۵	قدرت رهبری مدیران	×	ضعیف (مرجع مافوق)
۶	آموزش کاربردی	×	آزمایش و خطا
۷	نظارت	×	ضعیف
۸	قوانین و مقررات	×	پیچیده و سخت‌گیرانه
۹	نیروی محرک توسعه	×	بخش دولتی
۱۰	الگوی انجام کار	×	سلیقه‌ای
۱۱	مشارکت	×	تعامل اجتماعی بیشتر در بین شهروندان و همکاری محله‌ای
۱۲	سیاست	×	روزمره‌گی
۱۳	راهبردها	×	نامعین و مقطعی
۱۴	راه کارها	×	غیر شفاف
۱۵	تفکر-دید	×	قومی و قبیله‌ای-جزئی
۱۶	نوع منابع	×	بهره‌گیری از منابع طبیعی
۱۷	انجام کار	×	فردی
۱۸	بهره‌وری	×	کم
۱۹	توزیع منابع	×	نامناسب، رابطه‌ای
۲۰	جذب منابع	×	غیر رقابتی

۲۱	گردش مالی	×	کند	×	مشخص نبودن درآمدها	سریع
۲۲	خطر پذیری	×	پایین	×		بالا
۲۳	برنامه ریزی	×	برنامه ریزی محدود	×		برنامه ریزی غیر متمرکز و سنجیده
۲۴	هماهنگی مدیریتی	×	ناهماگون، نا هماهنگ	×		هماگون، هماهنگ
۲۵	رهیافت	×	رهیافت بالا به پایین در طراحی، اجرا و ارزشیابی، رهیاقت‌های شخصی و متغیر یا بخشی در پروژه‌های مختلف	×		رهیافت پایین به بالا در طراحی، اجرا و ارزشیابی، رهیاقت‌های جامع بر مبنای کلیت برنامه
۲۶	زمان و مکان	×	محدودیت زمان و مکان	×		توجه به مکان و زمان گذشته
۲۷	توجه به محیط	×	توجه به محیط طبیعی در مدیریت شهری	×		عدم توجه به محیط طبیعی و تأکید بر فناوری
۲۸	مدیریت	×	مدیریت بسته/دستوری و کنترلی	×		مدیریت مشارکتی و باز یکپارچه
۲۹	اصول بهره‌برداي	×	بهره‌برداي غلط	×		بهره‌برداي صحیح
۳۰	پاسخ‌دهی	×	عدم پاسخگویی اقدامات	×		پاسخ‌دهی اجتماعی

(نگارندگان، ۱۳۹۰)

نتیجه‌گیری

آنجا که مدیریت شهری با توجه به پویایی شهرها با اندیشه‌های مختلف در تصمیم‌گیری مواجه است و اتخاذ تصمیمات حالتی پیچیده (Complex) پیدا می‌نماید، بنابراین تطبیق تجربیات مدیریتی و جلوگیری از آزمون و خطا و لغزش در تصمیم‌گیری‌ها امری ضروری است، به طوری که می‌توان نقش سیستم مدیریتی شهری را مشابه یک خلبان یا ملوان قلمداد نمود. زیرا عرصه فعالیت شهر با شهروندان است و تصمیمات نیز می‌بایست بسیار علمی و کارآمد باشند. از این‌رو است که شهرها را به عنوان یک سیستم یکپارچه و به عنوان یک موجوده زنده فرض می‌نمایند، که نیازمند مدیریت پویا و هوشمند برای هماهنگی میان عناصر مختلف و تعیین و دستیابی به اهداف خود می‌باشند.

سیر تاریخی روندها و گرایش‌های حاکم بر ویژگی‌های شکلی و محتوایی مدیریت شهری در ادوار مختلف، نمایانگر نوعی تکامل شکلی، مفهومی، محتوایی و عملکردی مدیریت‌ها می‌باشد؛ به گونه‌ای که از برداشت‌ها و باورهای تک ساختی و تک ساحتی رو به سوی برداشت‌ها و باورهای چند ساختی و چند ساحتی (مدیریت مشارکتی و بهره‌گیری از خرد جمعی، پاسخ‌گویی و شفاف‌سازی) هدایت شده است.

نظام اداره امور شهر در طی صد سال گذشته از وظایف اصلی مدیریت شهری به جهت نداشتن منابع درآمدی پایدار، ضعف نهادهای مدنی و محلی و نداشتن جایگاه تعریف شده تشکیلاتی در سلسله مراتب تشکیلاتی کشور، عدم مشارکت در برنامه ریزی به واسطه

نوع مدل مدیریت شهری در دوره‌های مختلف تاریخی و در مناطق مختلف، بازتابنده نگرش و میزان مشارکت عمومی (رویکرد جمع‌گرایانه) و قدرت اجرایی مدیریتی است. یکی از گفتمان‌های مهم در تعیین مدل مدیریتی برتر، تعیین چگونگی اداره شهر و قرارگیری قدرت در دست مدیران شهری است. از سوی دیگر، مدل اداره شهر رابطه نزدیکی با حل یا ایجاد مسائل شهری دارد.

مدیریت شهری یک فرایند است که در مجموع به یک نظام تصمیم‌گیری منجر خواهد شد، میزان موفقیت و یا عدم موفقیت مدیریت شهری بستگی به قدرت و مشروعیت و ساختار حقوقی و اجتماعی و اقتصادی جامعه مورد «مدیریت یکپارچه» یا یکپارچه شدن مدیریت شهر که برخی مواقع هم به عنوان مدیریت واحد شهری نظر است گفته می‌شود، یکی از مفاهیمی است که امروزه زیاد شنیده می‌شود، شهر به عنوان سیستم یکپارچه ای است که شهری باید مدیریت آن نیز یکپارچه باشد؛ چرا که شهرها دارای هویت واحد و یکپارچه هستند.

تجربیات الگوهای متفاوت مدیریت شهری در ادوار تاریخی کشور، کمک فراوانی به شناخت و تعیین راهبردهای اساسی مدیریت شهری در دنیای امروزی دارد، به گونه‌ای که درک صحیح تجربیات تاریخی ارزشمند و استفاده از آنها بر میزان موفقیت الگوهای توسعه شهری و بویژه توسعه پایدار شهری می‌افزاید. از

الگوی ساختاری شورا- مدیر شهر به عنوان ساختار حکومت محلی در ایران (شورای شهر/ مقننه و شهردار مجریه) نقش مثبتی در توسعه، مدیریت و هماهنگ- سازی منابع برای دستیابی به اهداف توسعه شهری دارد. تجزیه و تحلیل عناصر تأثیر گذار مدیریت شهری در سطوح مختلف (وظایف و اختیارات وزارتخانه‌ها و سازمان‌های گوناگون) و تغییرات سطوح مدیریت شهری در رابطه با زمان (سیر تحول مدیریت شهری در دوران سنتی، مدرن و فرامدرن از استبدادی متمرکز قبل از سال ۱۲۸۵ هجری شمسی به مطلقه قانونی متمرکز و مشارکتی خودگردان/ تمرکززدایی ۱۳۷۸ به بعد) بیانگر موازی‌کار در امر تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در سطح کشور است. از این رو، توسعه وظایف و اختیارات شهرداری‌ها اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. توسعه وظایف و اختیارات شهرداری‌ها از یک سو، کارایی مدیریت شهری را افزایش می‌دهد و از طرفی، استراتژی عدم تمرکز اداری دولت را محقق می‌سازد. این امر به دولت مرکزی اجازه می‌دهد تا تلاش خود را بر امور سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی کلان و نظارت بر دستگاه‌های اجرایی متمرکز سازد. دولت مرکزی می‌تواند با اتخاذ سیاست‌های عدم تمرکز عمودی، قدرت سیاسی به سطوح استانی، محلی و شهری انتقال دهد و با سیاست‌های تمرکززدایی افقی می‌تواند از مشارکت بخش خصوصی و تشکلهای غیر دولتی سازمان یافته بهره بگیرد.

الگو و ساختار مدیریت شهری کشور در سطوح محلی نیازمند تقویت جایگاه و نقش مدیریت محلی و مشارکت اجتماع محلی، حاکمیت چند سطحی و چند عاملی برای مدیریت شهری کارآمد و اثربخش با تقویت شاخص‌های حکمروایی شهری (مشارکت شهروندان، مسوولیت‌پذیری، شفافیت، پاسخ‌گویی و عدالت) می‌باشد. تقویت حکمروایی خوب شهری در مقابل رویکرد مدیریت شهری دولت محور نیازمند وجود یک عزم سیاسی و اراده قوی در سطوح بالای حاکمیت و به خصوص اعتقاد آن‌ها به چنین الگوی مدیریتی است.

با ظهور فناوری‌های نوین به ویژه سیستم‌های کامپیوتری و به تبع آن انواع سیستم‌های برنامه‌ریزی و پشتیبانی هوشمند برنامه‌ریزی و مدیریت شهری همانند: Cellular Automata، WHAT IF، Urban sim و مدیریت مشارکتی و اطلاعاتی (IT) و سایر سیستم‌های مرتبط شهری، ارائه خدمات به شیوه‌های نوین در شهرهای الکترونیکی مانند ارائه بیش از ۵۰۰ نوع خدمت در شهر سنئول و تصمیم‌گیری دولت‌ها جهت ارائه

ماهیت برنامه ریزی متمرکز و از بالا به پایین باز مانده و بیشتر به امور بر زمین مانده شهر پرداخته اند. نتیجه این رویکرد و سیاست گذاری، رشدی بی قواره و ناندیشیده دولت و ضعف و ناتوانی مفرط مدیریت شهری بوده است.

نظام مدیریت شهری ایران تحت تأثیر برنامه‌ریزی و مدیریت متمرکز طی سالیان طولانی به لحاظ ساختارهای اجتماعی، تحولات و دگرگونی‌های پیچیده‌ای داشته همچنین در مقایسه با دیگر کشورهای جهان از لحاظ تقویت حکومت محلی، مشارکت مردمی و تمرکززدایی و مدیریت واحد شهری در سطح پایین‌تری قرار دارد.

الگوی مدیریت شهری سنتی با شکل‌گیری تحولات اجتماعی و سیاسی و تغییر و تحولات در حوزه فناوری‌های اطاعات و ارتباطات در دهه‌های پایانی قرن بیستم و افزایش چالش‌ها و مشکلات شهرها و ناتوانی مدیران و سیاستگذاران برای حل یا کاهش آن‌ها، مورد انتقادات وسیعی قرار گرفته است.

ساختار مدیریت شهری در ایران به منظور گذر از نظام متمرکز و حرکت به سمت نظام غیر متمرکز و بیرون رفت از چالش‌ها رخ داده، به ناچار باید ایجاد تحول در نظام برنامه ریزی و مدیریت توسعه شهری را به عنوان یک راه حل اساسی پذیرا باشیم. این امر یک انتخاب نیست بلکه یک ضرورت انکار ناپذیر تلقی می‌گردد. چرا که در شرایط فعلی این ساختار علیرغم سعی و تلاش فراوان در ایجاد ارتباط و تعامل میان سه عامل اصلی شکل‌گیری شهر «انسان، فضا و محیط» عاجز از پاسخگویی و حل مشکلات رو به تزاید اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی شهرها به ویژه در شهرهای بزرگ کشور بوده و شیوه‌های کنونی برنامه- ریزی و مدیریت توسعه شهری نه تنها در مواجهه با این معضلات، ضعیف و ناکارآمد جلوه می‌نماید بلکه موجب تشدید اوضاع و بحرانی نمودن آن به خصوص از طریق ایجاد تمرکز و دفع نظام مشارکتی می‌باشد.

مدیریت شهر به عنوان یک رویکرد نوین در حل معضلات و مشکلات بوجود آمده در جامعه نقش مهمی به عنوان یک حکومت محلی در عرصه زندگی شهری ایفا می‌نماید. شوراها شهر به عنوان یک عنصر از مدیریت شهری در اداره شهردار سطح محلی نقش مهمی بر عهده گرفته است. تشکیل شوراها اسلامی شهرها، می‌تواند نقطه عطفی برای مدیریت مشارکتی در ایران باشد.

خدمات به شیوه الکترونیکی و...، مدیریت نوین و پیش‌رو در شهرهای ایران نیازمند ایجاد تغییرات و اصلاحات متنوع در ابعاد و ساختارهای علمی و اجرایی است که تحقیق حاضر این وضعیت را در مقایسه‌ای تطبیقی نشان داد. اما هرچه به سمت جلو زمان پیش می‌رود، چشم انداز مدیریت شهری با وجود زیرساخت‌های الکترونیکی و دسترسی شهروندان به شبکه، بسیاری از خدمات الکترونیکی رو به توسعه نیازمند «مدیریت شهری هوشمند» هستند. بر این اساس پژوهش حاضر، توجه به «مدیریت شهری هوشمند» را به عنوان بستر توسعه شهری و ضرورتی اجتناب ناپذیر، برای پژوهش‌های علمی و اجرایی امور شهری ملزوم می‌نماید.

منابع و مآخذ

احمدآخوندی، عباس، برک پور، ناصر، اسدی، ایرج و بصیرت، میثم و طاهرخانی، حبیب... (۱۳۸۷). آسیب شناسی مدل اداره امور شهر در ایران، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، زاهدان.

ارجمندی، اصغر، اردشیری، مهیار، توسلی، غلامعباس، سعیدنیا، احمد، سعیدی رضوانی، نوید، صرافی، مظفر، طاهرخانی، حبیب...، کاظمیان، غلامرضا و نوروزی، کامبیز (۱۳۷۹). گفتگو: مفهوم، مبانی و چالش‌های مدیریت شهری، فصلنامه مدیریتی شهری، شماره دوم، تهران.

اردشیری، مهیار (۱۳۷۹). توسعه پایدار و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، سال اول، شماره ۳.

امانپور، سعید؛ حسنی شه پریان، نبی‌اله؛ آتش افروز، نسرین و رهمند، قاسم (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل عملکرد شوراهای در مدیریت شهری (نمونه موردی: شهراپاده)، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، صفحه ۹۵-۱۱۰.

ایمانی جاجرمی، حسین، بیگدلی، مهرناز و حناچی، سیمین (۱۳۸۱). مدیریت شهری پایدار (بررسی تجارب مشارکتی شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی شهرها)، انتشارات سازمان شهرداری‌ها، تهران.

ایمانی جاجرمی، حسین و فیروزآبادی، سیداحمد (۱۳۸۶). بررسی مدل‌های سنجش عملکرد مدیریت محلی: با تاکید بر سازمان‌های مدیریت شهری و روستایی در ایران، مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۲.

برزویی، علیرضا (۱۳۸۱). برنامه مدیریت شهری بانک جهانی، مجله شهرداری‌ها، سال سوم، شماره ۳۵.

بصیرت، میثم (۱۳۸۲). دانشنامه مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۶- ۱۵ پاییز و زمستان.

پاپلی یزدی، محمد حسین و رجبی سناجردی، حسین (۱۳۸۲). نظریه‌های شهر و پیرامون، انتشارات سمت.

پارسایی، جابر (۱۳۸۱). نظام نوین مدیریت شهری، مجله شهرداری‌ها، سال چهارم، شماره ۴۴.

پرهیزکار، اکبر و فیروزبخت، علی (۱۳۹۰). چشم انداز مدیریت شهری در ایران با تأکید بر توسعه پایدار شهری، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، علمی - پژوهشی، سال هشتم، شماره ۳۲.

جوادی، اردشیر (۱۳۸۲). مدیریت شهری در ایران؛ فراز و فرود، مجله شهرداری‌ها، سال چهارم، شماره ۴۷.

حبیبی، محسن (۱۳۸۶). از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کلبدی آن: تفکر و تأثر، انتشارات دانشگاه تهران.

رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، انتشارات قومس.

رضویان، محمدتقی (۱۳۸۱). مدیریت عمران شهری، انتشارات پیوند نو، تهران.

رکن‌الدین افتتاحاری، عبدالرضا، سجادی قیداری، حمدالله و عینالی، جمشید (۱۳۸۶). نگرشی نو به مدیریت روستایی با تاکید بر نهادهای تأثیر گذار، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲.

رهنما، محمدرحیم (۱۳۸۰). پارادیم بهبود مدیریت شهری (با تکیه بر شهر مشهد)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۱.

رهنمایی، محمدتقی و کشاورز، مهناز (۱۳۸۹). بررسی الگوی حکمروایی خوب و نقش دولت در مدیریت و اداره امور شهرها در ایران. دو فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول، شماره اول.

زیاری، کرامت‌الله، زندوی، سیدمجدالدین، آقاجانی، محمد و مقدم، محمد (۱۳۸۸). بررسی مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهرهای کوچک (نمونه موردی: شهرهای گله‌دار، ورزنه و هیدج). مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۳.

سعیدنیا، احمد (۱۳۸۳). کتاب سبز شهرداری‌ها: مدیریت شهری، انتشارات سازمان شهرداری‌های و دهیاری‌های کشور، تهران.

سلطان زاده، حسین (۱۳۶۷). مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، چاپ دوم، انتشارات امیر کبیر، تهران.

ملکی، قاسم (۱۳۸۳). تحول شهر داری مدرن در ایران (از دولت سلاری تا کارآفرینی)، فصلنامه شهرساز، سال دوم، شماره ۴ و ۵.

مهدوی، مسعود و نجفی کانی، علی اکبر (۱۳۸۴). دهیاری‌ها تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران (نمونه موردی: دهیاری‌های استان آذربایجان غربی)، پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۳۷، شماره ۵۳. میرزایی، سید محمد (۱۳۸۳). نگاهی به آینده شهر، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۴۲-۴۱.

هوار، کلمان (۱۳۷۵). ایران و تمدن ایران، ترجمه حسن انوشه، چاپ دوم، انتشارات امیر کبیر. یزدانی، فردین (۱۳۷۹). نظریه‌های مداخله بخش عمومی در بازار کالا و خدمات شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳.

Agudelo-Vera Claudia M., Mels Adriaan R., Keesman Karel J. and Rijnaarts Huub H. M. (2011). Resource management as a key factor for sustainable urban planning, Journal of Environmental Management, Volume 92, Issue 10, Pages 2295-2303.

Benzerra Abbas, Cherrared Marzouk, Chocat Bernard, Cherqui Frédéric and Zekiouk Tarik (2012). Decision support for sustainable urban drainage system management: A case study of Jijel, Algeria, Journal of Environmental Management, Volume 101, 30 June 2012, Pages 46-53.

Boarnet Marlon G., McLaughlin Ralph B. and Carruthers John I. (2011). Does state growth management change the pattern of urban growth? Evidence from Florida, Regional Science and Urban Economics, Volume 41, Issue 3, May 2011, Pages 236-252.

http://www.sci.org.ir/portal/faces/public/sci/sci_gozide/Yearbook

Kumar Raut, Sandeep (2001). Implication of information technology on spatial planning in India institute of technology Delhi, New Delhi.

Repetti Alexandre and Desthieux Gilles (2006). A Relational Indicator set Model for urban land-use planning and management: Methodological approach and application in two case studies, Landscape and Urban Planning, Volume 77, Issues 1-2, Pages 196-215.

Wekwete, Kh. (1997). urban management: the recent experience, the urban challenge in Africa: growth and management of its large cities, edited by Carole Rakodi. Tokyo, Japan, United Nations University Press.

شایبر چیمبا، جی (۱۳۷۹). مدیریت شهر، خط مشی‌ها و نوآوری‌ها در کشورهای در حال توسعه، ترجمه پرویز زاهدی، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

شاملوئی، حبیب الله، کتاب تاریخ ایران از ماد تا پهلوی، انتشارات صیفعلی‌شاه، (۴).

شیعه، اسماعیل (۱۳۸۲). لزوم تحول در مدیریت شهری ایران، مجله جغرافیا و توسعه، سال اول، شماره اول.

شیعه، اسماعیل (۱۳۸۶). با شهر و منطقه در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، چاپ چهارم.

صرافی، مظفر و عبدالهی، مجید (۱۳۸۷). تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، دانشگاه تهران.

صرافی، مظفر، توکلی‌نیا، جمیله و آقایی، عادل (۱۳۹۰). ناحیه محوری ضرورت ارتقاء مدیریت محلی در شهرداری تهران (منطقه ۴)، فصلنامه آمایش شماره ۱۲.

فاطمی، مریم (۱۳۸۷). دگردیسی شهرداری از سنت محوری به مدرن محوری، گفتگو با شهرام یوسفی‌فر، ماهنامه آموزشی پژوهشی شهرداری‌ها، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، سال نهم، شماره ۸۹.

فرهودی، رحمت اله، قالیباف، محمدباقر، چهاراهی، ذبیح‌الله و جواهری، احمد (۱۳۸۸). تحلیل تقسیمات کالبدی شهری بر اساس مدیریت یکپارچه نمونه موردی شهر شیراز، نشریه جغرافیا، دوره جدید، سال ششم، شماره ۱۸ و ۱۹.

کارکنان نصرآبادی، محمد (۱۳۸۷). شهر، هویت شهری و شهرداری‌ها از محله‌گرایی تا جهانی شدن، ماهنامه پژوهشی آموزشی شهرداری‌ها، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، سال نهم، شماره ۸۹.

مجموعه قوانین و مقررات شورای اسلامی با آخرین اصلاحات، ۱۳۸۲

مزی‌نی، منوچهر (۱۳۷۵). مدیریت شهری و روستایی در ایران مسائل و امکانات آن، انتشارات سازمان ملی زمین و مسکن، تهران.

مستوفی‌الممالکی، رضا (۱۳۸۰). شهر و شهرنشینی در بستر جغرافیای ایران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

مقیم، سید محمد (۱۳۸۲). اداره‌ی امور حکومت‌های محلی: مدیریت شوراها و شهرداری‌ها، تهران: انتشارات سمت و دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.

Suriyachan Chamawong (2012). Nitivattananon Vilas, Nurul Amin A.T.M. (2012), Potential of decentralized wastewater management for urban development: Case of Bangkok Habitat International, Volume 36, Issue 1, Pages 85-92.

Gao Lei, Durnota Bohdan, Ding Yongsheng and Dai Hua (2012). An agent-based simulation system for evaluating gridding urban management strategies Knowledge-Based Systems, Volume 26, Pages 174-184.

یادداشت‌ها

¹Government

²Governance

³Urban Government

⁴R .Vaughan

⁵Information Technology